

## بررسی آسیب‌های موجود در تعامل زوجین با والدین خود بعد از ازدواج

فاطمه انقری\*، فاطمه برای\*\* و مریم السادات فامی زاده\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی آسیب‌های موجود در تعامل میان افراد متأهل با والدین خود، بعد از ازدواج بود. پژوهش حاضر به دو بخش تفکیک‌پذیر است. روش پژوهش در بخش اول، تحلیل کیفی بود که در این بخش ابتدا متون نظری و پژوهشی مرتبط با عنوان تحقیق بررسی کیفی شد، سپس با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته در میان یک نمونه ۳۶ نفری (شامل افراد متأهل و والدین) که به صورت هدفمند انتخاب شدند، مهم‌ترین آسیب‌های تعاملی افراد متأهل با والدین خود استخراج شد. سپس اطلاعات حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها و همچنین کتب و مقالات مرتبط ادغام شده و از آن در جهت تهیه پرسشنامه آسیب‌شناسی تعاملی استفاده شد. در بخش دوم که به روش توصیفی مقطعی انجام شد، پرسشنامه مذکور در میان نمونه‌ای شامل ۱۳۵ نفر (۷۸ زن متأهل و ۵۷ مرد متأهل) اجرا شد که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و روش محاسبه فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و آزمون t تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که از منظر کیفی بیشترین آسیب‌ها عبارت هستند از وابستگی، انتظارات نابه‌جا، بی‌اعتنایی، دخالت و رفتارهای منفی. در بخش کمی، نتایج نشان داد که آسیب‌های وابستگی عاطفی، انتظارات نابه‌جای والدین، بی‌اعتنایی والدین و دخالت، با اختصاص بیشترین میانگین‌ها به ترتیب، اولویت‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص دادند. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که در خصوص آسیب‌های تعاملی، در گروه افراد متأهل تفاوت معناداری ( $p < 0.05$ ) میان زنان و مردان وجود ندارد. نتایج این پژوهش در گسترش متون نظری در حوزه آسیب‌شناسی و مشاوره ازدواج و خانواده کاربرد دارد.

کلید واژه‌ها: آسیب‌شناسی تعاملی؛ افراد متأهل؛ والدین

\* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

afghari.fateme@gmail.com

\*\* دانشجویار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

\*\*\* دانشجویار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان

## مقدمه

ازدواج، مهم‌ترین واقعه در زندگی هر انسانی است و در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی قرار دارد که قدمت آن به اندازه تاریخ بشر است. ازدواج وسیله‌ای برای تشکیل خانواده و رشد فردی و اجتماعی افراد است. اگرچه سلامت ازدواج تضمین‌کننده تشکیل یک خانواده شاد و سالم است و نتایج مادی و معنوی آن کتمان‌پذیر نیست، اما ازدواج سالم و پایدار خود با عوامل دیگری در ارتباط است که مهم‌ترین آن‌ها تأثیر خانواده اصلی در ازدواج است.

خانواده اصلی<sup>۱</sup> خانواده‌ای است که فرد در آن به دنیا آمده و یا به فرزندپذیری پذیرفته شده است (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵). به‌رغم اینکه خانواده اصلی هر فرد به عنوان یکی از ارکان مهم و تأثیرگذار در ابعاد مختلف زندگی او شناخته می‌شود، بسیاری از افراد از عمق، شدت و دامنه نفوذ خانواده اصلی بر روابط زناشویی و ازدواج خود غافل هستند. شناخت آسیب‌های زندگی خانوادگی به خاطر اسرارآمیز بودن وقایع و روابط آن و عدم آگاهی اعضا، بسیار پیچیده و چالش‌برانگیز خواهد بود. با وجود تمام این پیچیدگی‌ها، پر واضح است که یکی از عوامل تأثیرگذار در بروز آسیب‌های خانواده و ازدواج مربوط به خویشاوندان زن و شوهر یا «خانواده‌های اصلی» آن‌هاست. اغلب صدمات خانواده اصلی زمانی خود را نشان می‌دهد که فرد رابطه صمیمانه خود را با دیگری شروع کند. اعمال نفوذ خانواده اصلی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم و اغلب ناخودآگاه است، می‌تواند یکی از زیربناهای جدی تعارضات زناشویی از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد. طبق تجارب بالینی بیشترین موضوع مشاجرات زن و شوهران ایرانی را کم و کیف رابطه آن‌ها با خویشاوندان یا خانواده اصلی آن‌ها تشکیل می‌دهد (ثنایی، ۱۳۷۸).

بسیاری از خانواده درمانگران مدعی هستند که برای بررسی مراحل قابل پیش‌بینی‌ای که خانواده آن‌ها را طی می‌کند، مفهوم چرخه زندگی خانواده<sup>۲</sup> می‌تواند چارچوب مفیدی باشد، این مفهوم به رویدادها و مراحل حیات خانواده توجه می‌کند. کارتر و مک‌گلدریک<sup>۳</sup> در الگوی پیشنهادی خود درباره چرخه زندگی خانواده، طرح شش مرحله‌ای را برای حیات

1. Family-of-Origin
2. Family life cycle
3. Carter & McGoldrick

تکاملی خانواده ارائه کرده‌اند، که مراحل آن عبارت هستند از: ترک خانه، پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج، خانواده دارای فرزندان خردسال، خانواده دارای فرزندان نوجوان، روانه ساختن فرزندان و جدایی و مرحله پایانی (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۹). خانواده به عنوان یک نظام تحولی، باید با تکالیف تحولی یا الگوهای مشکل‌آفرینی مواجه شود که لازم است در هر مرحله بر آن‌ها غلبه کرد. (استریت<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹). ازدواج مهم‌ترین مرحله انتقالی در زندگی خانوادگی است. ازدواج به جای آنکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرف دگرگونی در دو نظام جا افتاده خانوادگی و تکوین یک خرده نظام در داخل هر یک از آن‌هاست (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۹).

یکی از موارد مؤثر در بروز آسیب‌های تعاملی مرتبط با خانواده اصلی، مسئله تمایز نایافتگی است که نشان‌دهنده شکست در انجام تکالیف تحولی در این مرحله از زندگی است. تمایزیافتگی<sup>۲</sup> یعنی میزان فردیتی که یک شخص در مقابل دیگران دارد، فرد تمایزیافته رفتارش را بر مبنای رفتار دیگری تنظیم نمی‌کند، بلکه دارای استقلال رفتاری است (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵). البته امروزه به خاطر دوره‌های طولانی تحصیل که موجب وابستگی دراز مدت مالی، افزایش هزینه‌های زندگی مستقل و جز اینها می‌شود، جدایی از والدین، به ویژه در خانواده‌های طبقه متوسط دشوارتر شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۹).

ازدواج تنها پیوند میان دو نفر نیست، بلکه شامل پیوند دو خانواده و سنت‌های مربوط به هر یک نیز هست (موسوی، ۱۳۸۲). در مرحله پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج، تکالیف اولیه، تعهد به زوج جدید است. در حالی که ممکن است به نظر برسد مشکلات این مرحله عمدتاً بین همسران است، آن‌ها ممکن است منعکس کننده شکست در جدایی از خانواده‌های پدری یا برش‌هایی باشند که فشار بسیار زیادی را بر یک زوج وارد می‌کند. شکل‌گیری یک شراکت صمیمی مستلزم آن است که همسران، دلبستگی هیجانی اولیه خود را از والدین و دوستانشان به رابطه با همسرشان منتقل کنند (نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷). ازدواج برای افراد به منزله زمان انتقال است؛ بالبی درباره این دوره انتقالی این فرضیه را مطرح کرد که احتمالاً در این زمان مدل‌های فعال دلبستگی بیش از هر زمانی در معرض اصلاح و بازسازی قرار

1. Street  
2. Differentiation

می‌گیرند (جانسون و ویفن، ۱۳۸۸). در واقع دو تکلیفی که برای ازدواج در نظر گرفته شده است عبارت هستند از: ۱) پایان دادن به وابستگی‌های اولیه به والدین؛ ۲) جهت‌دهی مجدد نیروهای فردی از خانواده اصلی به ازدواج (هاروی، ۱۳۸۸).

طبق رویکرد بوءن، زوجها الگوهای رفتاری خانواده اصلی را تکرار می‌کنند و یکی از مشکلاتی که آن‌ها تجربه خواهند کرد، مشکلات ناشی از پیام‌های متفاوت خانواده اصلی است. در واقع هر کدام از زوجین پیام‌های متفاوتی را در رابطه با نقش‌های جنسیتی، مدیریت مالی، تربیت فرزندان و موضوعات جنسی از خانواده اصلی خود دریافت کرده‌اند و با شکل‌گیری خانواده جدید به طور متفاوتی نسبت به این مسائل واکنش نشان می‌دهند (لانگ و یانگ، ۱۳۹۳).

سیف و اسلامی (به نقل از اولسون، ۲۰۰۰) بیان می‌کنند که افراد متعادل در عین استقلال، پیوستگی خود با خانواده‌های خود را حفظ می‌کنند. بعضی اوقات برای خانواده‌ها دشوار است که زوج جدید را به جای اشخاصی که با آن‌ها پیوند ژنتیکی یا انتخابی دارند، به عنوان یک واحد مجزا در نظر بگیرند؛ والدین ممکن است به مزاحمی [همسر فرزندان] حسادت کنند که اکنون در مقایسه با آن‌ها تأثیر بیشتری دارد، در حالی که زوجین معتقد هستند که والدین در کار آن‌ها دخالت می‌کنند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷). یک خانواده سازمان‌یافته قطعاً مرزهای مشخصی دارد که باید محترم شمرده شود، اما بر حسب عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خویشاوندان اجازه دارند تا اندازه‌ای در آن نفوذ کنند (پروچاسکا و نورکراس، ۱۳۹۱). زوج‌هایی که حول رابطه خود مرز ایجاد نمی‌کنند، درون خانواده اصلی یا روابط دوستی گیر می‌افتند و این مسئله گاهی در رابطه آن‌ها با یکدیگر مشکل ایجاد می‌کند (نظری، ۱۳۹۲).

وظیفه اصلی زوجین در این مرحله، تعدیل نگرش نسبت به ازدواج است؛ هر یک از همسران تعلق نسبت به خانواده اصلی را بپذیرد و به دنبال قطع یا کم‌رنگ کردن این تعلقات نباشد؛ در عین حال، خانواده‌های اصلی نیز باید نیازهای فرزند خود را درک کرده و زمینه استقلال عاطفی فرزند خود را فراهم کنند، تعلق عاطفی او نسبت به همسرش را بپذیرند و آن را در تعارض با وابستگی به خود نبینند (سالاری‌فر، ۱۳۹۲). مشکلات مربوط به خویشاوندان در رابطه با اقوام و منسوبینی ایجاد می‌شود که به انحاء مختلف در زندگی خانواده نقش دارند

و دخالت می‌کنند. اقوام درجه یک معمولاً نقش بیشتری را خواهند داشت. برخی از مشکلات ناشی از خویشاوندان عبارت هستند از: توقعات بیش از اندازه والدین که خارج از قدرت مالی زوجین است و دخالت‌های آن‌ها در خصوص تأمین رفاه فرزندشان، وابستگی و احساس تملک والدین مخصوصاً مادر نسبت به فرزند خود، افکار و سلايق متضاد زوجین و خانواده‌ها که می‌تواند ناشی از تفاوت سنی یا اختلاف شخصیت باشد و خود زمینه دخالت را ایجاد می‌کند، حسادت یا حساسیت بیش از اندازه نسبت به زندگی فرزند و گاهی مواردی که مربوط به مراقبت از والدین یا تأمین هزینه‌های مالی آن‌ها است، می‌تواند در رابطه با خانواده اصلی بروز کند (حسینی، ۱۳۹۰).

پژوهش افق‌ری (۱۳۹۱) در بررسی آسیب‌های ارتباطی از منظر والدین افراد متأهل نشان داد که آسیب‌های تعاملی والدین با فرزندان متأهل خود عبارت هستند از وابستگی، انتظارات نابه‌جا، بی‌اعتنایی، دخالت و رفتارهای منفی. همچنین نتایج نشان داد که آسیب‌های وابستگی عاطفی، بی‌اعتنایی والدین، انتظارات نابه‌جای والدین و دخالت، با اختصاص بیشترین میانگین‌ها به ترتیب اولویت‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص دادند. به علاوه نتایج حاکی از آن بود که آسیب‌های تعاملی وابستگی مالی و انتظارات نابه‌جای فرزند به طور معناداری ( $p < 0/05$ ) درباره فرزندان پسر بیش از فرزندان دختر است. نتایج به دست آمده از پژوهش قاسمی (۱۳۹۱) در بررسی آسیب‌های تعاملی زوجین با خانواده همسر نشان داد که آسیب‌های تعاملی زنان با خانواده همسر به ترتیب عبارت هستند از مرزبندی نادرست، کمیت و کیفیت نادرست ارتباط، بدرفتاری، انتظارات و توقعات، حسادت، کینه‌توزی و ایجاد اختلاف، وابستگی همسر به خانواده‌اش، توزیع نامتوازن قدرت، تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و عدم پذیرش عروس و آسیب‌های تعاملی مردان با خانواده همسر به ترتیب عبارت بودند از کمیت و کیفیت نادرست ارتباط، مرزبندی نادرست، وابستگی همسر به خانواده‌اش، بدرفتاری، حسادت، کینه‌توزی و ایجاد اختلاف، توزیع نامتوازن قدرت، انتظارات و توقعات، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و عدم پذیرش داماد.

پژوهش علیکی و نظری (۱۳۸۷) نشان داد که بین تمایز یافتگی و خرده مقیاس‌های آن (واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی، جایگاه من و هم آمیختگی با دیگران) با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. در این پژوهش نشان داده شده که بین خرده مقیاس‌های واکنش

پذیری، گریز عاطفی و هم آمیختگی، با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار و بین خرده مقیاس جایگاه من و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همین‌طور نجف‌لویی (۱۳۸۵) بیان می‌کند که بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی ارتباط وجود دارد و از میان خرده آزمون‌های تمایز خود، واکنش عاطفی بیشترین رابطه را با تعارض‌های زناشویی دارد. پژوهش هاوس و مالینکروود<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نشان داد که با افزایش سطح تمایز یافتگی و استقلال از خانواده اصلی رضایت زناشویی بالاتر می‌رود و دیگر آنکه وابستگی شوهر به والدینش بیشتر از وابستگی زن به والدینش موجب ناسازگاری و اختلاف زناشویی می‌شود. طبق نتایج این پژوهش، بالاترین سطح سازگاری و رضایت زناشویی مربوط به ازدواج‌هایی است که شوهران آزادی بیشتر از احساس گناه، اضطراب، سوء ظن، مسئولیت‌پذیری، بازداری، رنجش و خشم در ارتباط با مادرانشان و توانایی مدیریت مسائل فردی و عملی بدون کمک پدران خود را تجربه می‌کنند.

پژوهش اسکورون<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) نشان داد که سطوح تمایز یافتگی زوجین در ارتباط با رضایت زناشویی است؛ به این ترتیب که ۷۴٪ از واریانس نمرات سازگاری زناشویی مردان و ۶۱٪ از واریانس نمرات سازگاری زناشویی زنان به واسطه نمرات تمایز یافتگی زوجین توجیه می‌شود. گریز عاطفی بیشتر در مردان ناسازگاری زناشویی زنان و مردان را توجیه می‌کند. در مجموع، ابعاد خاصی از گریز هیجانی و واکنش‌پذیری هیجانی پیش‌بینی کننده تنش زناشویی است. پژوهش لارسون<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۸) نشان داد که پویایی‌های خانواده اصلی - در هم‌تیدگی، مثلث‌سازی و کنترل - می‌تواند تأثیر منفی بر نگرش‌ها و احساسات جوانان درباره ازدواج آینده‌شان و درک آن‌ها از آمادگی برای یک رابطه مهم و صمیمانه مثل ازدواج داشته باشد. دینرو و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که تعامل مثبت والد - فرزندی در سن ۱۵ و ۱۶ سالگی پیش‌بینی کننده امنیت دل‌بستگی در سن ۲۵ سالگی است. پژوهش فیض‌آبادی و خسروی (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق در نوع سبک دل‌بستگی تفاوت معنادار وجود دارد و زنان خواهان طلاق عمدتاً سبک دل‌بستگی ناایمن دارند.

1. Haws & Mallinckrodt
2. Skowron
3. Larson

پژوهش مارتینسون (۲۰۰۵) نشان داد که افرادی که تجارب سالم‌تری از خانواده اصلی داشتند و در خانواده اصلی خود با مشکلات مواجه شده بودند، نسبت به افرادی که تجارب سالم کم‌تری در خانواده اصلی داشتند، کیفیت ارتباطی / زناشویی بالاتری داشتند. مردان در این مطالعه بیش از زنان با مشکلات در خانواده اصلی مواجه شده بودند، در حالی که زنان معتقد بودند هنوز چیزهایی از خانواده اصلی هست که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. پژوهش برتونی و بودنمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) نشان داد که زوجین راضی روابط بهتری با خانواده اصلی داشتند. پژوهش حسینیان و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد که تاریخچه مشکلات خانواده از عوامل پیش‌بینی‌کننده آشفتگی زناشویی زنان و مردان است. نتایج تحقیق دیگری (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰) نیز نشان داد که بین همه متغیرهای خانواده پدری، شوهران با میزان تعارض خصمانه ادراک شده آن‌ها رابطه منفی وجود دارد. یافته مهم پژوهش این بود که متغیرهای خانواده پدری شوهران بیشتر از زنان با میزان تعارضات خصمانه ادراک شده زناشویی مرتبط است. همین طور بشارت و همکاران (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که کیفیت رابطه زوجین تحت تأثیر سبک‌های والدگری والدین و روان‌سازهای اولیه قرار دارد.

برخی از پژوهش‌ها نیز تأثیر خانواده اصلی در بروز تعارضات زناشویی و طلاق را بررسی کرده‌اند؛ از آن جمله پژوهش صداقت و اسدیان (۱۳۹۳) دخالت دیگران را از جمله عوامل اجتماعی مؤثر در پدیده طلاق بر می‌شمرد. پژوهش حاجیان مقدم (۱۳۹۳) در خصوص عوامل تأثیرگذار در نهاد خانواده، نشان داد که تعاملات خانوادگی در میان یازده محور موضوعی، اولویت دوم را داراست. نتایج پژوهش زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) نشان داد که مهم‌ترین علل تقاضای طلاق (سومین عامل)، دخالت خانواده‌ها بوده است. نتایج پژوهش دیگری از قطبی و همکاران (۱۳۸۲) در خصوص بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق نشان داد که پس از فقدان تفاهم اخلاقی با ۸۳٪ و اعتیاد با ۴۲٪ میزان تأثیر، دخالت خانواده‌ها با تأثیر ۳۳٪ سومین عامل مهم در بروز طلاق است. پژوهش محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که عواملی مثل ازدواج با انگیزه‌رهایی از فضای ناخوشایند خانه پدری و تعارض با خانواده همسر نارضایتی زناشویی را رقم می‌زند؛ به علاوه، یافته‌ها حاکی از این بود که تعارض شدید با خانواده همسر (مشخصاً درگیری فیزیکی) باعث اقدام عملی متقاضیان طلاق برای پایان دادن

1. Bertoni & bodenmann

به رابطه زناشویی می‌شود. نتایج پژوهش‌های بنی‌جمال و همکاران (۱۳۸۳)، و ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) نیز گویای تأثیر دخالت اطرافیان و وابستگی مالی زوجین در میزان گرایش به طلاق است.

پس از ازدواج، در زندگی هر یک از زوجین و خانواده‌های آن‌ها تغییرات عمده رخ می‌دهد و هر کدام متعهد هستند که این تغییرات را بپذیرند و ضمن سازگاری با آن‌ها، شیوه‌های مدیریت مؤثر را بیاموزند. برخی از این تغییرات تحولی در خصوص ارتباط زوجین با خانواده‌های اصلی شان شامل تمایزنیافتگی، وابستگی‌های دوطرفه بین زوجین و خانواده‌های آن‌ها، عدم مرزسازی صحیح در خانواده تازه شکل‌یافته و در نتیجه تعهد نداشتن خانواده‌ها به رابطه زوجین، دخالت‌های خانواده‌ها و انتظارات و توقعات نابه‌جای هر یک از طرفین است.

## روش

روند کار در مرحله ابتدایی از شیوه تحلیل کیفی تبعیت می‌کند. در این مرحله، هدف فراهم آوردن شرح غنی از نوع و کیفیت آسیب‌های تعاملی زوجین با والدین خود و کشف سازه‌هایی برای نظم بخشیدن به داده‌های توصیفی و پیوند دادن آن‌ها با یافته‌های مرتبط در پژوهش‌های پیشین و نظریات موجود بود که با استفاده از مطالعات نظری و بررسی منابع موجود میسر شد. برای انجام این کار ابتدا منابع مورد نظر اعم از کتاب و مقاله تعیین شده و نمونه‌ای از آن‌ها برای انجام بررسی کیفی انتخاب شد. سپس از میان نمونه انتخاب شده، بخش‌های مرتبط با آسیب‌شناسی خانواده و ازدواج جدا شد و در بین کلیه آسیب‌ها، موارد مربوط به تعامل افراد متأهل با والدینشان در دوره بعد از ازدواج به صورت مقولات کلی استخراج و در قالب آسیب‌های کلی طبقه‌بندی شد. سپس در ادامه بخش اول پژوهش، یک مصاحبه نیمه ساختاریافته<sup>۱</sup> با سؤالات بازپاسخ برای کشف آسیب‌های تعاملی افراد متأهل با والدین آن‌ها از منظر این افراد تهیه و اجرا شد. مصاحبه‌ها بدون محدودیت زمانی اجرا شد و در طی آن سعی شد از القای پاسخ جلوگیری شود. مصاحبه‌ها با رضایت مصاحبه‌شوندگان بر روی دستگاه MP3 ضبط شد. انجام مصاحبه تا زمان اشباع مقوله‌ها ادامه یافت و سپس محتوای کل



مصاحبه‌ها به صورت کتبی تایپ شده و اطلاعات حاصل از آن به صورت کلیدواژه‌هایی از محتوای صحبت مصاحبه‌شوندگان که تکرار بیشتری داشت، استخراج و در قالب چند آسیب‌کلی طبقه‌بندی شده و از آن در جهت تهیه پرسشنامه آسیب‌شناسی استفاده شد.

در پایان بخش اول پژوهش، اطلاعات حاصل از تحلیل منابع مکتوب و همچنین نتایج مصاحبه ادغام، و با توجه به مباحث نظری و پیشینه پژوهش طبقه‌بندی شده و مهم‌ترین آسیب‌های تعاملی زوجین و والدینشان برای تهیه پرسشنامه استخراج شد.

مرحله بعدی پژوهش روند توصیفی مقطعی را دنبال کرد. در این مرحله، پرسشنامه مذکور طراحی شد. فرم ابتدایی پرسشنامه به منظور تعیین روایی صوری در اختیار ۵ نفر از اساتید و متخصصان خانواده قرار گرفت و پس از تأیید، پرسشنامه برای تعیین ضریب پایایی، به صورت مقدماتی بر روی ۳۰ نفر اجرا شد. بررسی پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> انجام شد. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۳ محاسبه شد.

در پایان، پرسشنامه مذکور به منظور بررسی مؤلفه‌های آماری آسیب‌ها بر روی نمونه نهایی، اجرا شد.

در بخش ابتدایی که هدف آن بررسی کیفی متون و منابع موجود بود، جامعه آماری شامل کتب و مجلات علمی بود که مربوط به حوزه پژوهش بوده و به طور خاص عبارت بود از: کتب داخلی در حوزه خانواده و زوج درمانی منتشر شده در بین سال‌های ۹۰-۱۳۷۵، و مجلات معتبر علمی پژوهشی که در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان و پایگاه‌های اینترنتی فارسی از جمله SID، magiran، و IRANDOC قابل دسترسی بودند؛ و کتب خارجی در حوزه خانواده و زوج درمانی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان و مجلات مرتبط قابل دسترسی در کتابخانه و پایگاه‌هایی از جمله ISI، google scholar، و proquest منتشر شده در بین سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۵.

در بخش مربوط به انجام مصاحبه، جامعه آماری شامل زنان و مردان متأهل که حداقل یکسال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد، پدر و مادرشان در قید حیات باشند، ساکن شهر اصفهان باشند و در ارتباط با والدین خود دچار آسیب باشند و همین طور پدران و مادرانی که حداقل یکی از فرزندان آن‌ها ازدواج کرده و واجد شرایط فوق باشند؛ در بخش مربوط به اجرای

## 1. Cronbach's alpha coefficient

پرسشنامه‌ها، جامعه آماری این پژوهش شامل زنان و مردان متأهل ساکن شهر اصفهان، در سال ۹۰-۹۱ بود که حداقل یکسال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد و حداقل یکی از والدین آن‌ها در قید حیات باشند.

در بخش تحلیل کیفی متون، نمونه پژوهش از میان منابع در دسترس شامل کتب و مجلات ذکر شده در بخش قبل بود که با کلید واژه‌های خانواده، خانواده اصلی، آسیب شناسی تعاملی (در بخش فارسی)، و کلید واژه‌های family of origin و interactional pathology (در بخش خارجی) قابل دستیابی بودند.

در بخش بعدی، یک نمونه ۳۶ نفره شامل افراد متأهل و والدین (۱۲ زن و مرد متأهل، ۱۲ نفر از والدین خانم‌ها، و ۱۲ نفر از والدین آقایان) با روش هدفمند برای اجرای مصاحبه و کشف آسیب‌ها انتخاب شد، به این ترتیب که با زنان و مردان متأهل و والدین دارای فرزند متأهل مصاحبه شد که آسیب‌هایی را در روابط خود ذکر کرده و حاضر به همکاری بودند. شایان ذکر است که این تعداد برای اشباع مقوله‌ها کفایت می‌کرد. سپس برای اجرای مقدماتی پرسشنامه نمونه‌ای متشکل از ۳۰ نفر از میان زنان و مردان متأهل به صورت در دسترس انتخاب شد. در مرحله نهایی، نمونه‌ای متشکل از ۱۳۵ نفر، شامل ۷۸ زن و ۵۷ مرد؛ برای تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای با استفاده از مناطق شهرداری انتخاب شد، به این صورت که شهر اصفهان به ۵ منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شده و سپس از هر منطقه یک مرکز فرهنگی - تفریحی وابسته به شهرداری به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها در آن مکان توزیع شد. شایان ذکر است که با توجه به توزیع یکنواخت نمونه در سطح مناطق شهر اصفهان تأثیر متغیرهای مزاحم از جمله عوامل فرهنگی و اقتصادی کنترل شد. حضور هر دو گروه جنسیتی و طیف سنی شرکت کنندگان نیز تأثیر احتمالی مدت ازدواج و جنسیت را بر نتایج کنترل کرد، ضمن اینکه در تحلیل داده‌ها تفاوت‌های گروه زنان و مردان بررسی شد.

ویژگی‌های توصیفی و جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش در این مرحله به این شرح است؛ میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۲/۷۴ و همچنین میانگین تعداد فرزندان آن‌ها ۱/۰۴ بود. در خصوص سطح تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به مقطع دیپلم با فراوانی ۳۰/۷٪ و کارشناسی با فراوانی ۱۹/۸٪ بود. در خصوص طول مدت ازدواج نیز ۴۵/۱۸٪ نمونه پژوهش

کم‌تر از ۵ سال از ازدواجشان می‌گذشت که بیشترین فراوانی را داشتند.

۱. در بخش اول، ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در هر مصاحبه از تعداد ۱۱ سؤال بازپاسخ استفاده شد. محوریت اصلی سؤالات کشف آسیب‌ها و مشکلات ارتباطی و همچنین شیوه‌های غلط مقابله با این مشکلات بود. با توجه به اینکه برای تهیه سؤالات این مصاحبه از اطلاعات مربوط به بررسی متون استفاده شد، سؤالات دارای روایی محتوایی هستند و روایی صوری سؤالات مصاحبه نیز با نظر ۵ نفر از متخصصان خانواده تأیید شد.

۲. در بخش بعدی، ابزار پژوهش، «پرسشنامه آسیب‌شناسی تعامل زوجین و والدین» (افق‌ری، ۱۳۹۱) بود. پرسشنامه مذکور یک ابزار خود گزارشی است که به منظور بررسی آسیب‌های تعاملی از دیدگاه افراد متأهل طراحی و اجرا شد. بعد از اجرای مقدماتی، به منظور افزایش ضریب پایایی آزمون، تعداد ۳ سؤال از فرم ابتدایی حذف شد؛ فرم نهایی پرسشنامه مخصوص زوجین دارای ۵۴ سؤال و ۸ خرده مقیاس است. در هر خرده مقیاس حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ سؤال وجود دارد.

نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم)، ۲ (مخالفم)، ۳ (نظری ندارم)، ۴ (موافقم)، و ۵ (کاملاً موافقم) است. بدین ترتیب حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۵۴ و ۲۷۰ است. روایی صوری پرسشنامه به وسیله ۵ نفر از متخصصان خانواده تأیید شد. پایایی هر پرسشنامه از طریق اجرای آن روی نمونه ۳۰ نفری و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج ضریب پایایی در پرسشنامه مخصوص زوجین به شرح زیر است.

آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با  $0/93$  به دست آمد و برای ۸ خرده مقیاس آن بدین شرح است: وابستگی عاطفی،  $0/90$ ؛ وابستگی مالی،  $0/78$ ؛ انتظارات نابه‌جای فرزند از والدین،  $0/62$ ؛ انتظارات نابه‌جای والدین از فرزند،  $0/87$ ؛ بی‌اعتنایی والدین نسبت به فرزند،  $0/90$ ؛ بی‌اعتنایی فرزند نسبت به والدین،  $0/83$ ؛ دخالت والدین،  $0/84$ ؛ و رفتارهای منفی والدین،  $0/89$ .

۳. برای بررسی روایی همزمان از نوع همگرایی پرسشنامه از خرده مقیاس افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود مربوط به پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی، براتی و بوستانی‌پور (فرم تجدید نظر شده) استفاده شد. پرسشنامه تعارضات زناشویی دارای ۵۴ سؤال و ۸

بعد با ضرایب پایایی به شرح زیر است: کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱، و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹. ضریب آلفای کل پرسشنامه تعارضات زناشویی روی یک گروه ۲۷۰ نفری، برابر با ۰/۹۶ است (ثنایی، ۱۳۸۷).

نتایج محاسبه همبستگی بین پرسشنامه مخصوص زوجین و ابزار فوق نشان داد که بین نمره کل پرسشنامه آسیب‌شناسی تعامل با خانواده اصلی با خرده مقیاس افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $r=0/75, p<0/01$ ).

در بخش اول برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل کیفی استفاده شد که شامل تلفیق کلیه داده‌ها، سپس تدوین طبقات یا حیطه‌هایی که اطلاعات را به طور مناسبی در بر گیرد، نشانه‌گذاری و گروه‌بندی طبقات یا مقوله‌ها و سپس استخراج نتایج بود.

در بخش بعدی برای تحلیل یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS 18، در بخش توصیفی از روش‌های آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و شاخص‌های پراکندگی شامل واریانس و انحراف معیار و در بخش استنباطی از محاسبه همبستگی و آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شد.

## یافته‌ها

سؤال اول: از نقطه نظر کیفی، چه آسیب‌هایی در تعامل زن و شوهر با والدین خود وجود دارد؟

نتایج مصاحبه در خصوص آسیب‌ها و مشکلات رابطه آن‌ها با والدینشان بعد از ازدواج، شامل ۲۲ مقوله فرعی است و این مقوله‌ها را می‌توان در ۵ مقوله اصلی قرار داد. جدول ۵ طبقه‌بندی مقولات فرعی و اصلی را نشان می‌دهد.

## جدول ۵: طبقه بندی کیفی آسیب‌ها در قالب مقولات فرعی و اصلی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	ابراز آسیب توسط مصاحبه شونده‌گان به تفکیک جنسیت	
		مردان	زنان
وابستگی	شراکت و عدم استقلال مالی	✓	
	وابستگی عاطفی	✓	✓
	اختلاف سلیقه و عدم درک متقابل	✓	✓
	انتظارات در خصوص کمیت و کیفیت روابط	✓	✓
انتظارات و توقعات	انتظارات در خصوص حمایت	✓	✓
	تجمل گرایی و توقعات مالی	✓	✓
	ابراز نارضایتی	✓	✓
	انتقاد از نحوه مدیریت زندگی	✓	✓
دخالت	سلطه جویی و اعمال سلیقه	✓	✓
	تجسس	✓	✓
	ایجاد اختلاف	✓	✓
	مداخله در حل مشکلات	✓	✓
بی‌اعتنایی	بی‌توجهی و بی‌اعتنایی	✓	✓
	قهر و قطع رابطه	✓	
	توهین و بی‌احترامی	✓	✓
	تحقیر		✓
رفتارهای منفی و آزارنده	سرزنش	✓	✓
	مقایسه	✓	✓
	طعن و کنایه	✓	✓
	حسادت	✓	✓
	تبعیض	✓	✓
	تهدید به قطع حمایت	✓	

سؤال دوم: از نقطه نظر کمی، شیوع آسیب‌های تعاملی زن و شوهر با والدین خود

چگونه است؟

در این بخش، برای بررسی شیوع آسیب‌ها، نمرات افراد نمونه بر اساس میزان انحراف استاندارد به سه بخش تقسیم و فراوانی هر بخش محاسبه شده است. درصد فراوانی هر بخش مطابق با شیوع نمرات در آن بخش بود. نتایج در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: فراوانی نمرات بر حسب انحراف استاندارد

$x > +2s$	$+1s \leq x \leq +2s$	$x < +1s$	آسیب‌ها	
۴	۲۰	۱۰۴	فراوانی	وابستگی عاطفی
%۳/۱۲	%۱۵/۶۲	%۸۱/۲۵	درصد	
۸	۱۳	۱۱۰	فراوانی	وابستگی مالی
%۶/۱۰	%۹/۹۲	%۸۳/۹۶	درصد	
۸	۸	۱۱۴	فراوانی	انتظارات نابه‌جای فرزند
%۶/۱۵	%۶/۱۵	%۸۷/۶۹	درصد	
۹	۱۱	۱۱۴	فراوانی	انتظارات نابه‌جای والدین
%۶/۶۶	%۸/۱۴	%۸۴/۴۴	درصد	
۵	۱۴	۱۱۴	فراوانی	بی‌اعتنایی والدین
%۳/۷۵	%۱۰/۵۲	%۸۵/۷۱	درصد	
۴	۱۱	۱۱۴	فراوانی	بی‌اعتنایی فرزند
%۳/۱۰	%۸/۵۲	%۸۸/۳۷	درصد	
۹	۱۰	۱۱۳	فراوانی	دخالت
%۶/۸۱	%۷/۵۷	%۸۵/۶۰	درصد	
۸	۱۰	۱۱۴	فراوانی	رفتارهای منفی و آزارنده والدین
%۶/۰۶	%۷/۵۷	%۳۶/۸۶	درصد	
۶	۸	۹۷	فراوانی	آسیب کل
%۵/۴۰	%۷/۲۰	%۸۷/۳۸	درصد	

سؤال سوم: اولویت‌بندی شدت آسیب‌های تعاملی زن و شوهر با والدین خود چگونه است؟  
برای بررسی اولویت آسیب‌ها، از محاسبه میانگین استفاده شد. نتایج در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: اولویت‌بندی آسیب‌های تعاملی افراد متأهل با والدین بر اساس میانگین، به تفکیک جنسیت

اولویت‌بندی کلی آسیب‌ها		اولویت‌بندی آسیب‌ها در زنان		اولویت‌بندی آسیب‌ها در مردان	
اولویت	آسیب	میانگین	اولویت	آسیب	میانگین
۱	وابستگی عاطفی	۲۱/۲۱	۱	وابستگی عاطفی	۲۰/۵۰
۲	انتظارات نابجای والدین	۱۴/۸۱	۲	انتظارات نابجای والدین	۱۵/۳۵
۳	بی‌اعتنایی والدین	۱۴/۲۸	۳	بی‌اعتنایی والدین	۱۵/۱۰
۴	دخالت	۱۲/۵۹	۴	دخالت	۱۳/۰۳
۵	وابستگی مالی	۱۱/۸۹	۵	وابستگی مالی	۱۲/۴۳
۶	بی‌اعتنایی فرزند	۱۰/۹۹	۶	بی‌اعتنایی فرزند	۱۱/۱۶
۷	انتظارات نابجای فرزند	۱۰/۰۳	۷	انتظارات نابجای فرزند	۱۰/۶۴
۸	رفتارهای منفی و آزارنده والدین	۹/۴۷	۸	رفتارهای منفی و آزارنده والدین	۹/۶۷

همانطور که مشاهده می‌شود، اولویت‌بندی در کل نمونه، زنان و مردان تفاوتی ندارد و در مجموع، وابستگی عاطفی با میانگین کل ۲۱/۲۱، در اولویت نخست، و رفتارهای منفی و آزارنده والدین با میانگین کل ۹/۴۷، در اولویت آخر قرار دارند.

سؤال چهارم: میزان تفاوت آسیب‌های تعاملی زوجین با والدین خود بین زنان و مردان چقدر است؟

در این بخش برای بررسی تفاوت بین زنان و مردان در خصوص آسیب‌های تعاملی با والدین از آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: آزمون t جهت بررسی تفاوت آسب‌های تعاملی با والدین میان زنان و مردان

فصله اطمینان ۹۵٪	آزمون t		آزمون لوین	
	کمران بالا	کمران پایین	تفاوت خطای معیار	تفاوت میانگین‌ها
۳/۵۳۸۹۸	-۱/۰۵۲۵۰	۱/۱۶۰۰۷	۱/۲۴۳۳۴	۰/۲۸۶
۳/۵۶۰۸۷	-۱/۰۷۳۳۹	۱/۱۶۹۵۸	۱/۲۴۳۳۴	۰/۲۹۰
۰/۶۱۱۲۸	-۲/۵۴۲۵۳	۰/۷۹۷۰۱	-۰/۹۶۵۶۲	۰/۲۲۸
۰/۶۳۰۶۰	-۲/۵۶۱۸۵	۰/۸۰۵۸۶	-۰/۹۶۵۶۲	۰/۲۳۳
۰/۰۹۴۸۷	-۲/۲۴۵۴۵	۰/۵۹۱۳۹	-۱/۰۷۵۲۹	۰/۰۷۱
۰/۱۲۴۲۶	-۲/۲۷۴۸۴	۰/۶۰۵۱۱	-۱/۰۷۵۲۹	۰/۰۷۸
۰/۹۸۷۲۷	-۲/۸۴۲۸۷	۰/۹۶۸۲۰	-۰/۹۲۷۸۰	۰/۳۴۰
۱/۰۱۹۴۸	-۲/۸۷۵۰۸	۰/۹۸۲۹۶	-۰/۹۲۷۸۰	۰/۳۴۷
۰/۶۱۵۱۵	-۳/۴۵۲۸۱	۱/۰۲۸۱۸	-۱/۴۱۸۸۳	۰/۱۷۰
۰/۶۱۱۶۳	-۳/۴۴۹۳۰	۱/۰۲۵۵۰	-۱/۴۱۸۸۳	۰/۱۶۹
۰/۹۵۷۸۳	-۱/۵۵۳۳۳	۰/۶۳۴۴۸	-۰/۲۹۷۷۰	۰/۶۴۰
۰/۹۴۸۶۵	-۱/۵۴۴۰۵	۰/۶۲۹۵۸	-۰/۲۹۷۷۰	۰/۶۳۷
۱/۰۲۰۴۱	-۲/۵۶۵۵۲	۰/۹۰۶۲۸	-۰/۷۷۲۵۶	۰/۳۹۶
۱/۰۳۵۴۴	-۲/۵۸۰۵۵	۰/۹۱۲۷۹	-۰/۷۷۲۵۶	۰/۳۹۹
۱/۲۲۰۷۷	-۱/۹۲۰۰۱	۰/۷۹۳۷۸	-۰/۳۴۹۶۲	۰/۶۶۰
۱/۱۹۱۳۷	-۱/۸۹۰۶۲	۰/۷۷۸۶۷	-۰/۳۴۹۶۲	۰/۶۵۴
۵/۲۵۳۷۶	-۱۴/۵۶۹۴۴	۵/۰۰۰۸۹	-۴/۶۵۷۸۴	۰/۳۵۴
۵/۳۴۸۶۴	-۱۴/۶۶۴۳۳	۵/۰۴۴۶۵	-۴/۶۵۷۸۴	۰/۳۵۸

با توجه به مقادیر sig در آزمون t که در تمام خرده مقیاس‌ها و نمره کل بالاتر از ۰/۰۵ است، و همچنین با توجه به مقادیر فاصله اطمینان، این نتیجه به دست می‌آید که در نمرات خرده مقیاس‌ها و نمره کل، با اطمینان ۹۵٪ تفاوت معناداری بین گروه زنان و مردان وجود ندارد.



## بحث و نتیجه‌گیری

خانواده اصلی هر فرد جایگاه تولد و رشد او و مأمن او در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز زندگی است. همه افراد اولین روابط را با خانواده اصلی و به طور خاص با والدین خود برقرار می‌کنند. رابطه با خانواده اصلی همواره یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و در عین حال مطلوب همه انسان‌هاست.

ارتباطات خویشاوندی و نسلی تولیدکننده ارزش‌های اجتماعی هستند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷)، در هویت بخشیدن به افراد نقش مؤثری را ایفا می‌کنند (ریبنز مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰)، از ویژگی‌های خانواده بالنده هستند (ستیر، ۱۳۷۰)، کارکرد حمایتی و کنترلی خانواده را تسهیل و نقش مؤثری در ثبات و استحکام آن ایفا می‌کنند (بستان، ۱۳۸۹)، و بدین وسیله می‌توانند در کاهش آمار طلاق مؤثر واقع شوند (فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). این روابط همچنین به واسطه نقش شفادهنگی خانواده (ناتان آکرمن، به نقل از ایمانی، ۱۳۸۸) به سلامت روانی افراد کمک می‌کنند و باعث حفظ بهداشت روانی، تنوع در زندگی، سبک باری، امنیت خاطر، ایجاد تعادل در زندگی، رشد اجتماعی و بهره‌مندی از حمایت‌های مکرر می‌شوند (ایمانی، ۱۳۸۸).

ارتباط با خانواده اصلی و نقش و تأثیرات آن در دوران بعد از ازدواج نیز ادامه می‌یابد و می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. در این خصوص پژوهش‌های بسیاری به بررسی تأثیرات خانواده اصلی در زندگی زناشویی فرد اقدام کرده‌اند، و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها به عوامل مرتبط با خانواده اصلی اشاره کرده‌اند که از دوران قبل از ازدواج شکل می‌گیرد؛ نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعارضات و الگوهای ارتباطی در زندگی زناشویی مشابه با تعارضات و الگوهای ارتباطی در خانواده اصلی هستند و تجارب خانواده اصلی و عوامل مرتبط با آن می‌تواند زندگی زناشویی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال پژوهش‌های حسینیان و همکاران (۱۳۸۷)؛ رسولی و همکاران (۱۳۸۷)؛ حسینی و ثنایی (۱۳۸۴)؛ ویتون و همکاران (۲۰۰۸)؛ استوری و همکاران (۲۰۰۴)؛ وانگ و همکاران (۲۰۰۳)؛ آماتو و بوث (۲۰۰۱)؛ و اسمیت (۱۹۹۹) تشابه سبک تعارضات یا الگوهای ارتباطی زوجین با تعارضات و الگوهای ارتباطی والدین خود را بررسی کرده‌اند.

برخی دیگر از پژوهش‌ها از جمله پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۳)؛ خسروی و

همکاران (۱۳۹۲)؛ حسینیان و همکاران (۱۳۸۶)؛ مارتینسون (۲۰۰۵)؛ سباتلی و هرینگ (۲۰۰۳)؛ هال (۲۰۰۳)؛ فلوری و بوچانان (۲۰۰۲)؛ آندروس و همکاران (۲۰۰۰)؛ کانگر و همکاران (۲۰۰۰)؛ هافباروا (۱۹۹۹)؛ و لوی و همکاران (۱۹۹۷) به بررسی تأثیر سلامت خانواده اصلی یا تجارب افراد در خانواده اصلی بر وابستگی متقابل، سازگاری و کیفیت رابطه زناشویی فرزندان اقدام کرده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی به بررسی رابطه بین امنیت سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی اقدام کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های فیض‌آبادی و خسروی (۱۳۸۸)، عیدی و خانجانی (۱۳۸۵)، دینرو و همکاران (۲۰۰۸) و شارف و بارتولومی (۱۹۹۵) اشاره کرد.

خانواده با توجه به ویژگی مرموزسازی (اسکولنیک، به نقل از ثنایی، ۱۳۷۸) خود، اعضایش را درباره قواعد و اسرار خاص خویش در تاریکی نگه می‌دارد. لذا بسیاری از افراد ممکن است تأثیر و نفوذ خانواده اصلی را در زندگی خود به طور واضح احساس نکنند؛ اما واقعیت این است که به‌رغم همه مزایا و ضرورت‌هایی که برای ارتباطات خویشاوندی و نسلی وجود دارد، این رابطه هم مانند دیگر مناسبات انسانی، مصون از آسیب‌ها و چالش‌های احتمالی نخواهد بود. در این زمینه تعداد جالب‌توجهی از پژوهش‌ها تحت عناوین عوامل مؤثر در بروز طلاق یا گرایش به آن، به برخی آسیب‌های موجود در روابط بین والدین با فرزندان متأهل خود توجه کرده‌اند که از جمله می‌توان به پژوهش‌های زارعی (۱۳۹۱)؛ یوسفی (۱۳۸۹)؛ زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶)؛ ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)؛ بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) اشاره کرد. چراغی و همکاران (۱۳۹۳) نیز ارتباط با خانواده همسر را در دو گروه از افراد راضی و ناراضی از این ارتباط بررسی کرده‌اند.

در این میان جای پژوهش‌های سازمان‌یافته و معتبر در خصوص آسیب‌های ارتباطی زوجین با خانواده‌های اصلی خود بسیار خالی است؛ و در پژوهش‌های مختلف به طور تلویحی به برخی از عوامل آسیب اشاره شده است که در ادامه ارائه می‌شود.

در متون نظری در حوزه خانواده، آسیب‌های مربوط به خانواده اصلی تحت عناوینی از جمله عوامل فشارزای افقی در طول حیات خانواده (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷)، رخدادهای تنش‌زا یا گذرهای تحولی (برادبوری، به نقل از رحمت‌اللهی، ۱۳۸۵)، بدکارکردی‌های رشدی (تسنگ و درموت، به نقل از بارکر، ۱۳۷۵)، چرخه زندگی خانواده (کارتز و مک‌گلدنریک، به نقل از

گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۹)، یا حوزه نقش‌های تحولی (مک مستر، به نقل از رایان و همکاران، ۲۰۰۵) مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته‌اند.

بررسی کیفی متون نظری و پژوهشی نشان می‌دهد که برخی آسیب‌های ارتباطی که ممکن است در رابطه زوجین و خانواده‌های اصلی رخ دهد عبارت هستند از: دشواری یا شکست در جدایی از والدین (هاروی، ۱۳۸۸)؛ عدم ایجاد مرز در رابطه زوجی و گیر افتادن در خانواده اصلی (نظری، ۱۳۹۲)؛ عدم انتقال دلبستگی هیجانی اولیه از والدین به همسر (نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷)؛ اعمال نفوذ و مداخله خانواده در مسائل مربوط به مراسم و آداب ازدواج (بستان، ۱۳۸۹)؛ وابستگی‌های دراز مدت مالی، فیزیکی یا عاطفی زوجین به والدین خود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۹)؛ عدم تعهد والدین به زوج جدید و فراهم نکردن زمینه استقلال آن‌ها؛ و حسادت والدین به همسر فرزندشان (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷) عدم استقرار روابط متفاوت با والدین و خواهر و برادرها بعد از ازدواج (زهراکار و جعفری، ۱۳۸۹)؛ عدم وضوح مرزهای زیر منظومه زن و شوهری که باعث مداخله نیازها و انتظارات سایر سیستم‌ها می‌شود، مرزهای سخت و خشک که باعث انزوای زیر منظومه زن و شوهری می‌شود، دخالت‌های والدین و انتظارات نابه‌جای والدین در خصوص اعمال نفوذ بر ازدواج فرزندشان و نارضایتی آن‌ها به دلیل دادن این نفوذ (مینوچین، ۱۳۸۱)؛ اشکال در نگرش زوجین در خصوص ازدواج و تلاش برای قطع یا کم رنگ کردن تعلقات عاطفی نسبت به والدین (سالاری‌فر، ۱۳۹۲)؛ نقش‌های مقرر شده فرهنگی و ایجاد احساس مسئولیت و تکلیف متقابل که حق دخالت را در ازای بهره‌مندی از حمایت‌های خانواده، برای والدین ایجاد می‌کند (برناردز، ۱۳۸۸)؛ دخالت والدین در تربیت فرزندان و تشکیل مثلث‌های چند نسلی با نوه‌ها (مک گلدریک و همکاران، ۱۳۸۹)؛ سکونت در محلی بسیار نزدیک یا بسیار دور از والدین (گلا دینگ، ۱۳۹۲)؛ توقعات بیش از اندازه والدین در خصوص قدرت مالی زوجین و دخالت در تأمین رفاه آن‌ها، وابستگی و احساس تملک والدین مخصوصاً مادر نسبت به فرزند خود، حسادت یا حساسیت بیش از اندازه والدین نسبت به فرزند خود و مراقبت از والدین یا تأمین هزینه‌های مالی آن‌ها (حسینی، ۱۳۹۰)؛ توقعات نابه‌جای زوجین در خصوص پرورش و نگهداری از فرزندانشان توسط والدین خود (چیل، ۱۳۸۸)؛ مشکلات ناشی از مواجهه با ناتوانی، فقر، بیماری یا فوت والدین (نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷).

نتایج بخش کیفی حاصل از مصاحبه در این پژوهش با بخش عمده‌ای از این آسیب‌ها همسوست و به طور کلی می‌توان آن‌ها را در قالب ۵ مقوله اصلی وابستگی، انتظارات و توقعات، دخالت، بی‌اعتنایی و رفتارهای منفی و آزارنده قرار داد.

بر اساس نتایج بخش کمی این پژوهش، اولویت‌بندی آسیب‌ها عبارت است از: ۱- وابستگی عاطفی؛ ۲- انتظارات نابه‌جای والدین؛ ۳- بی‌اعتنایی والدین؛ ۴- دخالت؛ ۵- وابستگی مالی؛ ۶- بی‌اعتنایی فرزند؛ ۷- انتظارات نابه‌جای فرزند و ۸- رفتارهای منفی و آزارنده والدین.

با توجه به این اولویت‌بندی، آسیب وابستگی با میانگین ۲۱/۲۱، در اولویت نخست قرار دارد. به مسئله وابستگی و تمایزنیافتگی در برخی از پژوهش‌ها توجه شده و تأثیر آن بر رضایت زناشویی بررسی شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های علیکی و نظری (۱۳۸۷)، نجف‌لویی (۱۳۸۵)، اسکورون (۲۰۰۰)، هاوس و مالینکروود (۱۹۹۸)، و ریچارد (۱۹۸۹) اشاره کرد. پژوهش هاوس و مالینکروود (۱۹۹۸) همچنین گویای این مطلب است که وابستگی شوهر به والدینش بیش از وابستگی زن می‌تواند موجب ناسازگاری و اختلاف زناشویی شود، در این پژوهش تفاوت میان زنان و مردان در آسیب وابستگی عاطفی معنی‌دار نبود. پژوهش لارسون و همکاران (۱۹۹۸) نیز نشان داد که پویایی‌های خانواده اصلی مانند در هم‌تنیدگی یا مثلث‌سازی می‌تواند تأثیر منفی بر نگرش‌ها و احساسات زناشویی فرزندان و آمادگی آن‌ها برای یک رابطه مهم و صمیمانه داشته باشد؛ پژوهش هافباروا (۱۹۹۹) نشان داد که مردانی که در خانواده اصلی آن‌ها مادر نقش مهم‌تری در تصمیم‌گیری‌ها داشته است، گرایش به این دارند که همسرشان هم سطوحی از تسلط را نشان دهد و در این صورت روابط زوجی مثبت‌تری را تجربه می‌کنند. پژوهش زارعی (۱۳۹۱) و یوسفی (۱۳۸۹) حاکی از نقش وابستگی عاطفی زوجین و پژوهش بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) نشان‌دهنده نقش وابستگی مالی زوجین در میزان گرایش به طلاق است. این نتایج حاکی از اهمیت این آسیب ارتباطی، یعنی وابستگی و تمایزنیافتگی است. به نظر می‌رسد که در خصوص وابستگی مالی نباید از تأثیر مسائل اقتصادی و برنامه‌های کلان دولت‌ها در زمینه ایجاد اشتغال و حمایت از قشر جوان در کسب و کار و تحصیل درآمد غافل بود.

وابستگی یکی از زوجین یا هر دو به خانواده‌های اصلی خود ممکن است زمینه دخالت

آن‌ها را در زندگی زوجین فراهم کند. زمانی که زوجین پایین‌ترین سطح تمایز یافتگی را داشته باشند، به احتمال زیاد سطح بالاتری از دلبستگی و وابستگی را تجربه می‌کنند که این خود می‌تواند عاملی برای بروز ناسازگاری و دخالت اطرافیان باشد (یوسفی، ۱۳۸۹). از طرفی همسرانی که در تقابل عاطفی دچار گسست هستند، عموماً با افراد یا چیزهای دیگری غیر از یکدیگر هم‌آمیختگی دارند و فاصله هیجانی میان همسران غالباً از طریق این امور بیرونی حمایت و حفظ می‌شود (حسینی، ۱۳۸۹). در میان اولویت‌ها، دخالت والدین در رتبه چهارم قرار دارد که نشان دهنده اهمیت آن است. پژوهش‌های مرتبط با طلاق، به اهمیت این آسیب ارتباطی در تخریب زندگی زناشویی کرده‌اند که از آن جمله نتایج پژوهش زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶) نشان داد که مهم‌ترین علت تقاضای طلاق (سومین عامل)، دخالت خانواده‌ها بوده است. نتایج پژوهش دیگری از قطبی و همکاران (۱۳۸۲) در خصوص بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق نشان داد که پس از عدم تفاهم اخلاقی با ۸۳٪ و اعتیاد با ۴۲٪ میزان تأثیر، دخالت خانواده‌ها با تأثیر ۳۳٪ سومین عامل مهم در بروز طلاق است. نتایج پژوهش‌های صداقت و اسدیان (۱۳۹۳)؛ زارعی (۱۳۹۱)؛ محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)؛ ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) و بنی‌جمالی و همکاران (۱۳۸۳) نیز گویای تأثیر دخالت اطرافیان در میزان گرایش به طلاق است.

در جوامع سنتی، والدین برای ازدواج فرزندانشان تصمیم می‌گرفتند و اغلب نفوذ زیادی داشتند؛ اما همزمان با صنعتی شدن، شهرنشینی و نوسازی، فرزندان استقلال و کنترل بیشتری به دست آوردند و والدین به علت از دست دادن نفوذ خود بر تصمیمات مربوط به ازدواج فرزندان ناراضی بودند (چیل، ۱۳۸۸). جنادله و رهنما (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که در گروه‌های سنی مختلف تفاوت معناداری در خصوص پایه و اساس ازدواج وجود دارد؛ بدین ترتیب که در نسل‌های جوان‌تر الگوی همسرگزینی مبتنی بر ترجیحات فردی است، ولی با افزایش سن بر مقدار افرادی که موافقت والدین را پایه و اساس ازدواج می‌دانند افزوده می‌شود.

به‌رغم این موضوع، به نظر می‌رسد نهاد خانواده در حال انطباق یافتن با وضعیت جدیدی است که در آن، همراه با کاهش دخالت مستقیم خویشاوندان در زندگی زوج‌های جوان، استقلال هر دو زوج بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود و در همان حال حمایت مادی و معنوی خویشاوندان از آن‌ها، هر چند در سطحی محدودتر از گذشته، ادامه می‌یابد. از آنجا که

دو زوج جوان این نسل نیز که با روحیه استقلال‌خواهی جامعه‌پذیر شده‌اند، خود در آینده‌ای نه چندان دور نقش پدر و مادر را برای زوج جوان نسل بعد ایفا خواهند کرد، امید می‌رود که این فرآیند انطباق‌پذیری آسان‌تر تحقق پذیرد (بستان، ۱۳۸۹).

یکی از ویژگی‌های روابط خویشاوندی این است که مبنای توقعات، الزامات و تعهدات واقع می‌شوند (ریبنز مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰). ارزش‌ها و فرهنگ یک جامعه نیز در تعیین بایدهای آن جامعه نقش دارند (بستان، ۱۳۸۹). نقش‌های فرهنگی می‌تواند در شکل‌گیری توقعات و انتظارات متقابل نقش بسیار مهمی را ایفا کند. لوئی روسل (به نقل از سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۷) طی مطالعات خویش درباره مناسبات والدین با افراد جوان متأهل به این نتیجه رسیده است که هم‌گرایی عقاید بین دو نسل ناشی از انتقال عقاید خاص والد به فرزند و تا حدودی ناشی از پذیرش این واقعیت از طرف والدین است که باید موقعیت‌هایی را بپذیرند که خود در زمان جوانی از آن بی بهره بوده‌اند.

در این پژوهش نیز انتظارات و توقعات نابه‌جا مقوله دیگری در میان آسیب‌هاست که در اولویت‌های نخست قرار دارد و نشان دهنده اهمیت آن است.

یکی دیگر از موارد آسیب‌زا که در این پژوهش بررسی شد، رفتارهای منفی و آزارنده است، که در برخی پژوهش‌ها به آن اشاره شده است؛ از جمله نتایج پژوهش حاجیان مقدم (۱۳۹۳) تعاملات خانوادگی را از جمله عوامل تأثیرگذار در نهاد خانواده بر می‌شمرد. نتایج پژوهش برتونی و بودنمن (۲۰۰۹) نشان داد که زوجین راضی روابط بهتری با خانواده اصلی داشتند؛ همچنین پژوهش هافباروا (۱۹۹۹) نشان داد که رضایت مردان در رابطه زوجی در صورت داشتن رابطه مثبت با پدر افزایش می‌یابد. البته در این پژوهش این آسیب با میانگین ۹/۴۷ در اولویت آخر قرار دارد و خوشبختانه در مقایسه با سایر آسیب‌ها، اهمیت کم‌تری دارد.

آسیب‌های ارتباطی همواره یکی از چالش‌ها و رخداد‌های تنش‌زا در زندگی افراد است که به شدت از فرهنگ و مذهب هر جامعه تأثیر می‌پذیرد. چه بسا در برخی از کشورهای غربی که رابطه افراد با خانواده پدری خود بعد از سن خاصی به طور کامل یا نسبی قطع می‌شود، مقوله وابستگی به‌عنوان یک آسیب فاقد موضوعیت است یا برعکس در جوامع جمع‌گرا و خانواده محور آسیب‌هایی مثل بی‌اعتنایی و رفتارهای منفی فرزند، فراوانی و اهمیت کم‌تری

دارد. بنابراین، لازم است درباره این آسیب‌ها و مهارت‌های مرتبط به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی توجه شود.

امید است که با انجام اقدامات پژوهشی و علمی سازمان‌یافته و معتبر در این حوزه و استفاده از نتایج آن‌ها، ازدواج نه تنها شروع یک دوران تنش‌زا در خصوص ارتباط با خانواده اصلی و مقابله با آسیب‌های آن نباشد، بلکه آغاز ارتباطی ثمربخش توأم با استقلال و صمیمیت و بهره‌مندی از تجربیات و حمایت‌های آن‌ها باشد.



## منابع

- استریت، ادی (۱۳۸۹). *مشاوره خانواده* (نظر و عمل در نگرش سیستمی)، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا، تهران: فراروان.
- افقری، فاطمه (۱۳۹۱). *تدوین و استاندارد سازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- بارکر، فیلیپ (۱۳۷۵). *خانواده درمانی پایه*، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: رشد.
- بستان، حسین (۱۳۸۹). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بشارت، محمد علی، دهقانی، سپیده و تولاییان، فهیمه سادات (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای روانسازهای ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی. *روان‌شناسی خانواده* ۱(۱): ۳-۱۸.
- برناردز، جان (۱۳۸۸). *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- بنی جمالی، شکوه‌السادات؛ نفیسی، غلامرضا و یزدی، منور (۱۳۸۳). ریشه‌یابی علل از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. او ۲: ۱۴۳-۱۷۰.
- پروچاسکا، جیمز و نورکراس، جان (۱۳۹۱). *نظام‌های روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: روان.
- تبریزی، مصطفی، دیبائیان، شهرزاد، کاردانی، مژده و جعفری، فروغ (۱۳۸۵). *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی*. تهران: فراروان.
- ثنایی، باقر (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۸). نقش خانواده‌های اصلی در ازدواج فرزندان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲۱، ۲-۴۶.
- جانسون، سوزان و ویفن، والر ای (۱۳۸۸). *فرآیندهای دلبستگی در زوج درمانی و خانواده درمانی*. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران. تهران: دانژه.
- جنادله، علی و رهنما، مریم (۱۳۹۳). *دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل*



- ثانویه داده‌های ملی). خانواده پژوهی. ۱۰ (۳): ۲۷۷-۲۹۶.
- چراغی، مونا، مظاهری، محمد علی، موتابی، فرشته، پناغی، لیلی و صادقی، منصوره سادات (۱۳۹۳). مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور. فصلنامه خانواده پژوهی. ۴۰: ۴۵۱-۴۷۴.
- چیل، دیوید ج (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: نقد افکار.
- حاجیان مقدم، فاطمه (۱۳۹۳). فراتحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی. پژوهشنامه زنان. ۱ (۵): ۱-۳۹.
- حسینی، بیتا (۱۳۸۹). زمینه زوج درمانی. تهران: جنگل.
- حسینی بیرجندی، سید مهدی (۱۳۹۰). مشاوره و روان درمانی خانواده با رویکرد فرهنگ ایرانی. تهران: آوای نور.
- حسینی بیرجندی، سید مهدی (۱۳۹۰). نظریه‌ها و فنون خانواده درمانی. تهران: رشد.
- حسینیان، سیمین، یزدی، منور و جاسبی، منیژه (۱۳۸۶). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش و پرورش شهرستان کرج. مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی دانشگاه اصفهان، شماره ۱، ۶۳-۷۶.
- حسینیان، سیمین، حسینی، فاطمه، شفیعی نیا، اعظم و قاسم زاده نساجی، سوگند (۱۳۸۷). رابطه آشفستگی زناشویی مادران با زندگی فرزندان همسر دار آنان. مطالعات زنان، شماره ۳، ۸۱-۱۰۳.
- حسینی، فاطمه و ثنایی، باقر (۱۳۸۴). مقایسه تعارض زناشویی والدین با تعارض زناشویی فرزندان همسر دار آنان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴، ۷۹-۹۶.
- خسروی، نجمه، پناغی، لیلی، احمد آبادی، زهره و صادقی، منصوره سادات (۱۳۹۲). رابطه بین ناکارآمدی خانواده مبدأ و وابستگی متقابل زنان: نقش تعدیل کننده تحصیلات دانشگاهی. فصلنامه روان شناسی کاربردی. ۷ (۱): ۸۵-۱۰۰.
- رحمت الهی، فرحناز (۱۳۸۵). آسیب شناسی زندگی زناشویی در شهر اصفهان و ارائه مدلی جهت آسیب شناسی زندگی زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- رسولی، محسن؛ نوایی نژاد، شکوه و ثنایی، باقر (۱۳۸۷). رابطه بین الگوهای ارتباط زوج‌های

- دانشجو و الگوهای ارتباط والدین آن‌ها. تحقیقات زنان، شماره ۴، ۸۳-۱۰۰.
- ریاحی، محمد اسماعیل، علیوردی، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). پژوهش زنان. شماره ۳. ۱۰۹-۱۴۰.
- ریبیز مک کارتی، جین و ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: علم.
- زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی عوامل پیش بینی کننده میل به طلاق، تدوین مدل مداخله‌ای بومی و اثربخشی آن بر میل و خودکارآمدی مدیریت طلاق در زوجین متقاضی طلاق شهر یزد. رساله دکتری مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- زرگر، فاطمه و نشاط دوست، حمیدرضا (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. خانواده پژوهی، ۱۱: ۷۳۷-۷۴۹.
- زهراکار، کیانوش و جعفری، فروغ (۱۳۸۹). مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرآیند و نظریه ها). تهران: ارسباران.
- سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و تحقیقات (۱۳۸۷). جوانان، روابط خانوادگی و نسلی. تهران: سازمان ملی جوانان.
- سالاری فر، محمد رضا (۱۳۹۲). خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی. تهران: سمت و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ستیر، ویرجینیا (۱۳۷۰). آدم سازی. ترجمه بهروز بیرشک. تهران: رشد.
- سیف، سوسن و اسلامی، معصومه (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. اندیشه‌های نوین تربیتی، (۲۱): ۹۹-۱۳۰.
- صداقت، کامران و اسدیان، عقیل (۱۳۹۳). تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی: شهرستان قایم شهر). جامعه شناسی کاربردی. ۵۴(۲): ۹۷-۱۱۶.
- عیدی، رقیه و خانجانی، زینب (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی، فصلنامه علمی- پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز، شماره ۲ و ۳: ۱۷۵-۲۰۱.
- علیکی، محمود و نظری، علی محمد (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۲۶: ۷-۲۴.

فاتحی زاده، مریم، بهجتی اردکانی، فاطمه و نصر اصفهانی، احمد رضا (۱۳۸۴). بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*. ۶: ۱۱۷-۱۳۶.

فیض‌آبادی، سلیمه و خسروی، زهره (۱۳۸۸). سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهرستان کاشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵(۳): ۳۷-۵۴.

قاسمی، سیمین (۱۳۹۱). *تدوین و استاندارد سازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط با خانواده همسر بر مبنای آسیب‌شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.

قطبی، مرجان، هلاکویی نایینی، کورش، جزایری، ابوالقاسم و رحیمی، عباس (۱۳۸۲). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد. *رفاه اجتماعی*، ۱۲: ۲۷۳-۲۸۸.

گلادینگ، سامویل (۱۳۹۲). *خانواده درمانی «تاریخچه، نظریه و کاربرد»*، ترجمه فرشاد بهاری و دیگران. تهران: تزکیه.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۹). *خانواده درمانی*، ترجمه حمید رضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، تهران: روان.

لانگ، لین و یانگ، مارک (۱۳۹۳). *مشاوره و روان‌درمانی مسائل زن و شوهری*، ترجمه علی محمد نظری، جواد خدادادی، مسعود اسدی، کبری ناموران و حسین صاحب‌دل. تهران: آوای نور.

محسن زاده، فرشاد، نظری، علی محمد و عارفی، مختار (۱۳۹۰). *مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق*، (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۵۳: ۷-۴۲.

محسن زاده، فرشاد، نظری، علی محمد و عارفی، مختار (۱۳۹۰). *تجارب خانواده‌پدري و ادراک تعارضات خصمانه زناشویی، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۳۸: ۷-۲۴.

مک‌گلدریک، مونیکا، گرسن، رندی و شلن برگر، سیلویا (۱۳۸۹). *ژنوگرام: سنجش و مداخله در مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی*، ترجمه فرشاد بهاری. تهران: دانژه.

موسوی، اشرف السادات (۱۳۸۲). خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.

مینوچین، سالوادور (۱۳۸۱). خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنائی. تهران: امیر کبیر.  
نجفلویی، فاطمه (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی، اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۳ و ۴: ۲۷-۳۷.

نظری، علی محمد (۱۳۹۲). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. تهران: علم.  
نیکولز، مایکل پی و شوارتز، ریچارد سی (۱۳۸۷). خانواده درمانی «مفاهیم و روش‌ها». ترجمه محسن دهقانی و دیگران. تهران: دانژه.

هاروی، مایکل (۱۳۸۸). کتاب جامع زوج درمانی. ترجمه خدابخش احمدی، زهرا اخوی، و علی اکبر رحیمی. تهران: دانژه.

یوسفی، ناصر (۱۳۸۹). مقایسه اثر بخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بوئن بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تفکیک خویشتن، سبک‌های دلبستگی و میل به طلاق در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز. پایان نامه دکترای مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.

Amato PR & Booth A. (2001). The legacy of parents' marital discord: consequences for children's marital quality. *Journal of Personality and Society Psychology*. 81(4). 627-38.

Andrews JA, Foster SL, Capaldi D & Hops H. (2000). Adolescent and family predictors of physical aggression, communication, and satisfaction in young adult couples: a prospective analysis. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 68(2). 195-208.

Bertoni A & Bodenmann G. (2009). Satisfied and dissatisfied couples: positive and negative dimensions, conflict styles, and relationships with family-of-origin. *European psychologist*. 15(3). 175-184.

Brunsson N, Rasche A & Seidl, D. (2012). The dynamics of standardization: three perspectives on standards in organization studies. *Organization studies*. 33(5-6). 613-632.

Conger RD, Cuim Bryant CM & Elder GH Jr. (2000). Competence in early adult romantic relationships: a developmental perspective on family influences. *Journal of Personality and Society Psychology*. 79(2). 224-37.

Dinero RE, Conger RD, Shaver PR & Widaman K. (2008). Influence of family of origin and adult romantic partners on romantic attachment security. *Journal of family psychology*. 22(4).622-632.

Flouri E, & Buchanan A. (2002). What predicts good relationships with parents



- in adolescence and partners in adult life: findings from the 1958 British birth cohort. *Journal of family psychology*. 16(2). 186-198.
- Hall SS. (2003). *Associations among family-of-origin, dating patterns, and single adults' conceptualizations of marriage*. Pudrue university.
- Haws W & Mallinckrodt B. (1998). Separation-individuation from family-of-origin and marital adjustment of recently married couples. *The American journal of family therapy*. 26(4).293-306.
- Hofbauerova B. (1999). Relations in primary family and their influence on the partnership formation. *Ceskoslovenska psychologie*. 43(3).216-230.
- Larson JH, Benson MJ, Wilson SM & Nilufer M. (1998). Family of origin influences on marital attitudes and readiness for marriage in late adolescents. *Journal of family issues*. 19. 750-768.
- Le Poire BA. (2006). *Family communication*. Sage publication.
- Levy SY, Wamboldt FS & Fiese BH. (1997). Family-of-origin experiences and conflict resolution behaviors of young adult dating couples. *Family Process*. 36(3).297-310.
- Long L & Young M. (2007). *Counseling and therapy for couples*. USA :ThomsonBook/Cole.
- Martinson VK. (2005). *How coming to terms with difficulties in the family of origin positively influences adult children,s relationships*. Thesis (Ph.D), Brigham university, department of marriage, family and human development.
- Richard E. (1989). Self-reports of differentiation of self and marital compatibility as related to family functioning in the third and fourth stages of the family life cycle. *Scholarly inquiry for nursing practice*. 3(3), 163-178.
- Ryan CE, Epstein NB, Keitner GI, Miller IW & Bishop DS. (2005). *Evaluating and treating families: the Mc Master approach*. New York: Routledg.
- Sabatelli RM & Haring SB. (2003). Family-of-origin experiences and adjustment in married couples. *Journal of marriage and family*. 65(1).159-169.
- Scharfe E & Bartholomew K. (1995). Accommodation and Attachment Representations in Young Couples. *Journal of social and personal relationships*. 12(3). 389- 401.
- Skowron, EA. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology*. 47 (2). 229-237.
- Smith DB. (1999). *Intergenerational transmission of courtship violence: a meta-analysis*. Thesis (MA). Faculty of Virginia polytechnic institute & State university.
- Story LB, Karney BR, Lawrence E & Bradbury TN. (2004). Interpersonal mediators in the intergenerational transmission of marital dysfunction. *Journal of family psychology*. 18(3). 519-529.
- Wkong MJ, Bartholomew K, Henderson AJ & Trinke SJ. (2003). Intergenerational transmission of relationship violence. *Journal of family*

- psychology*. 17(3). 288-301.
- Whitton SW, Waldinger RJ, Schulz MS, Allen JP, Crowell JA & Hauser ST. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationships adjustment. *Journal of family psychology*. 22(2). 274-286.

